



معنویت‌های نوظهور چه تفاوتی با معنویت دینی دارند

رئیس پژوهشکده اخلاق و معنویت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی گفت: معنویت دینی به تنوع و تکثر اهمیت می‌دهد اما به یک صراط مستقیم هم اعتقاد دارد.

رئیس پژوهشکده اخلاق و معنویت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی گفت: معنویت دینی به تنوع و تکثر اهمیت می‌دهد اما به یک صراط مستقیم هم اعتقاد دارد. همچنین برخلاف معنویت‌های نوظهور، برخی از موارد در معنویت دینی مربوط به غیب هستند بنابراین باید به وحی اعتقاد داشته باشیم و نمی‌توانیم صرفاً همانند معنویت‌های نوظهور به ملاحظات جامعه شناختی و روانشناختی معتقد باشیم.

به گزارش خبرنگار ایکن، نشست علمی «معنویت و انقلاب اسلامی؛ چالش‌ها و راهکارها»، امروز چهارشنبه سوم اسفندماه از سوی پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی برگزار شد.

احمد شاکرنژاد، رئیس پژوهشکده اخلاق و معنویت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در این نشست سخنرانی کرد که در ادامه می‌خوانید:

ابتدا لازم است تعریفی از معنویت ارائه دهیم و بررسی کنیم که در عصر انقلاب اسلامی مفهوم معنویت چه افزوده‌ای پیدا کرد. در بیانیه گام دوم انقلاب آمده که گام اول انقلاب، گام خودجوش بر اساس روحیه حقیقت‌جویی انقلابیون بود اما در گام دوم قرار است این روحیه، نهادینه و زمینه بروز و ظهور آن در دستگاه‌های حاکمیتی فراهم شود لذا معنویت هم باید به شکل نهادینه پیگیری شود. مفهوم معنویت مفهومی جدید است. البته لفظ آن از قرون چهارم و پنجم در ادبیات فارسی وجود داشته است اما جنبه اصطلاحی آن عمدتاً مربوط به بعد از جنگ جهانی دوم است.

مؤلفه‌های معنویت

درون این مفهوم مولفه‌هایی وجود دارد از جمله اینکه می‌خواهد نگاه جدیدی به دیانت داشته باشد و نگاه آن متفاوت از نگاه الهیاتی است. منظور از نگاه معنوی به دیانت این است که معنویت، طعم دینداری را همگانی می‌کند یعنی به قول امروزی‌ها، سیم همگی به خداوند وصل شود و دیگر فقط مختص افراد خاصی همانند عرفا یا روحانیون نیست بلکه همه می‌توانند این تجربه را داشته باشند. همچنین در معنویت گفته شده باید دنیال‌ایمان استقرایی باشید یعنی ایمان از پائین به بالا نه از بالا به پائین. به بیان دیگر نقطه عزیمت در اینجا، از چالش‌های ما در زندگی است.

در قرآن هم آمده است: «قل سیروا فی الأرض ثم انظروا کیفَ کانَ عاقِبَةُ الْمُکذِّبِینَ؛ بگو: «روی زمین گردش کنید! سپس بنگرید سرانجام تکذیب‌کنندگان آیات الهی چه شد؟» (انعام/۱۱) این نشانه‌ای برای خداشناسی و ایمان استقرایی است. یکی از مهمترین مولفه‌های معنویت همین ایمان استقرایی است. مؤلفه دیگر در معنویت توجه به تکثر و تنوع شرایط و مراتب انسان هاست یعنی هر کسی خصوصیات منحصر به فردی دارد که براساس آنها باید معنویت برای وی تبیین شود. مؤلفه دیگر که وجه تمایز معنویت‌های دینی و معنویت‌های نوظهور است این است که معنویت دینی به تنوع و تکثر اهمیت می‌دهد اما به یک صراط مستقیم هم اعتقاد دارد. همچنین برخی از موارد در معنویت مربوط به غیب هستند بنابراین باید به وحی اعتقاد داشته باشیم و نمی‌توانیم صرفاً همانند معنویت‌های نوظهور به ملاحظات جامعه‌شناختی و روانشناختی معتقد باشیم.

خصوصیات معنویت عصر انقلاب اسلامی

مؤلفه دیگر که معنویت عصر انقلاب اسلامی را از دیگر معنویت‌ها جدا می‌کند این است که ساختار گریز و ساختار ستیز است. معنویت‌های غیر دینی می‌گویند برای اینکه انسان به معنویت برسد باید با ساختارهای دینی مبارزه کند اما معنویت انقلاب اسلامی می‌گوید اتفاقاً معنویت ساختار گریز است ولی دین و شریعت به ما آزادی داده و ما را از قید و بند استکبار و نظام سلطه آزاد می‌کند و این به معنای آزادی معنوی است. معنویت عصر انقلاب می‌گوید من هم با ساختارهای ظالمانه مشکل دارم اما دینداری به کمک ما می‌آید لذا معنویت مستضعفان در مقابل معنویت مستکبران قرار می‌گیرد بنابراین باید با آن مبارزه کرده و عدالت را ایجاد کنیم تا بستر برای معنویت‌گرایی مردم فراهم شود.

پیام انقلاب اسلامی این بود که اگر مردم بخواهند معنوی باشند باید ابتدا اصلاحاتی در جهان انجام شده و بستر فراهم شود و بستر هم مبارزه با استکبار و ایجاد آزادی معنوی برای مردم است تا فطرت آنها شکوفا شود. معنویت عصر انقلاب اسلامی دو بخش شامل وجه نظری و عملی دارد. وجه نظری را نظریه معنویت امام و رهبری و وجه عملی را نظریه عملی مکتب شهادت می‌

نامم. اگر می‌خواهید سیر و سلوک در معنویت عصر انقلاب اسلامی را مشاهده کنید باید به مکتب شهادت رجوع کنید. نکته مهم درباره معنویت عصر انقلاب اسلامی این است که اگر جای جای آثار امام(ره) و رهبری را نگاه کنید کلید واژه مشترک، نفی انانیت است یعنی فرد ابتدا باید تکلیفش را با خودش مشخص کند تا بتواند فردی موفق در اجتماع باشد و در عرصه معنویت گامی به پیش برد.

توجه به تفاوت افراد در معنویت انقلاب اسلامی

نکته دیگر درباره معنویت عصر انقلاب اسلامی، توجه جدی به تنوع افراد است. امام خمینی(ره) می‌فرماید معنویت انسان‌ها وقتی تأمین می‌شود که تنوع و تفاوت‌ها مورد توجه قرار گیرد اما آنچه در جامعه وحدت ایجاد می‌کند رویکرد مردم به سمت توحید است نه اینکه همه مردم یکسان شوند چراکه هیچ وقت مغز و قلب شبیه هم نمی‌شوند بلکه باید هر کسی خودش باشد ولی کارش را درست انجام دهد و در خدمت یک مرکز یعنی عقل حرکت کند. در این صورت است که ما یک انسان سالم داریم و این تنوع انسان‌ها به تحقق تمدن اسلامی هم کمک می‌کند. لذا انقلاب اسلامی آمده تا بستر شکوفایی بذر معنوی انسان‌ها باشد. همچنین معنویت انقلاب اسلامی به شکوفایی استعدادها و انسان‌ها توجه خاصی دارد.

درباره اینکه معنویت عصر انقلاب اسلامی در عرصه عمل چگونه پیاده شده باید گفت که برخی شاخص‌ها وجود دارد که از شهید چمران تا شهید سلیمانی آنها را شاهد هستیم. از جمله این موارد شامل مصاحبت ایمانی، تدبیر در قرآن به عنوان یک کار تعلیمی، ادعیه خوانی، توسل، خدمت‌رسانی و نه صرفاً ضرر نرسانی، ترس از خدا، اخلاص و امثالهم هستند. چالش‌های معنویت‌گرایی انقلاب اسلامی

واقعیت این است که ما در حوزه معنویت‌گرایی چالش‌هایی داریم که مشاهده می‌کنیم رقبایی همانند معنویت‌های نوظهور رشد کرده یا اساساً برخی از معنویت اسلامی فاصله می‌گیرند. بسیاری از پژوهش‌ها معتقدند دینداری در ایران تمام نمی‌شود بلکه نوع آن متفاوت می‌شود. معمولاً حرف این پژوهش‌ها این است که در آینده جمهوری اسلامی، دینداری احساسی، عاطفی و تجربه‌گرایانه پررنگ‌تر می‌شود یعنی صرفاً بر مناسک اکتفا نمی‌شود و مردم در حال عوض کردن اولویت‌های خود در دینداری هستند. این نکته‌ای بسیار مهم است که می‌توان آن را به اتفاقات اخیر هم ربط داد و اگر این فرآیند ادامه پیدا کند چالش‌های جدی‌تری هم پیش می‌آید.

نکته مهم این است که پیام معنویت انقلاب اسلامی را می‌توانیم در یک حرف خلاصه کنیم که معنویت انقلاب اسلامی می‌خواست همه انسان‌ها را به سالک تبدیل کرده و عرفان را عمومی کند یعنی همه آدم‌ها طعم دینداری را بچشند. این اتفاق برای خیلی‌ها افتاده است و از جمله در دوران جنگ و بمباران، مردم انواع مشکلات داشتند ولی همگی خود را سالک می‌دانستند چون معتقد بودند که فرآیند تهذیب نفس را طی می‌کنند. حضرت امام(ره) با ظاهرگرایی دینی مشکل دارند و معتقدند باید علما کنشگر اجتماعی و سیاسی باشند. تأکید امام و رهبری این است که ساختار شریعت و نظام روحانیت لازم است اما این نظام باید کارکردهای درستی داشته باشد یعنی باید منشوری که وجود دارد کاملاً رعایت شود در غیر این صورت کارکردهای آن تبدیل به سوء کارکرد شده و مردم از دستگاه قطع امید می‌کنند. در این راستا باید نقاط ریزی که ممکن است در حد یک لکه روی پیراهن سفید باشند اصلاح شوند. از جمله به رویکرد تیماری توجه شود نه تیمساری. همچنین لازم است مردم اصل باشند چون در نظریه انقلاب اسلامی، مردم اصل هستند تا بتوانیم ظرفیت‌های معنویت انقلاب اسلامی را شکوفا کنیم.